



ویژه‌نامه قدس  
به مناسبت سالگرد  
رحلت بنیان‌گذار  
انقلاب اسلامی

۶

### ■ نخبگان جای مردم را نگیرند

امام بزرگوار با آن نظام اندیشه‌ای که داشتند با روایت «کلکم راع و کلکم مسئول» همه مردم را سیاسی می‌داند. همان‌طور که در اول نهضت همه مردم سیاسی بودند. در یک نظامی که همه مردمش سیاسی هستند و همه «راع» اند یعنی مسئول‌اند در عین اینکه رعایا هستند، این‌ها همه باید تعیین‌کننده حکمرانی باشند. این نظریه اصلی است که باید آن ساختاری که تعریف می‌شود، جلو این را نگیرد.

از این حیث امام(ره) سر دو جا خیلی تأکید داشتند: یکی به جای عامه مردم یک جمع نخبه‌ای ننشینند که مثلاً یک دست نخبه‌ای به جای مردم بنشینند و حکمرانی را تعیین کنند و یکی دیگر اینکه آن گروه‌هایی که باید معرف شوند برای مردم در حد «شاهدان عادل» عمل کنند و طوری نشود که آن‌ها حالت قیم مآبی پیدا کنند، بخواهند کارها را لیستی و قبیلله‌ای کنند.

یک جمله خیلی عجیب و مهمی که دوست دارم ملت عزیز به آن توجه کنند، در جلد ۱۸ صحیفه امام(ره) است. حضرت امام می‌فرمایند: «این‌ها می‌خواهند با شیطنتهایشان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطننت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آن‌ها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقی‌شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران».

«ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی، ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسیارند دست این‌ها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشند». پس ببینید یکی از جاهایی که سر آن حساس است این است که می‌خواهد آحاد همه مشارکتشان حفظ شود. مشارکت‌ها نیابتی و دو مرحله‌ای نشود؛ بگویند که مجتهدین به جای مردم، نمایندگان ولی فقیه بهتر از مردم می‌شناسند و می‌فهمند. این حرف‌ها را امام قبول ندارند.

الان فرصت نیست اگر نه برخی از جزوهای داعش را می‌خواندم که دقیقاً همین استدلال را دارند. می‌گویند انتخابات یعنی چه؟ هیچ وقت یک عالم بصیری مثل «همج الرعاع» یعنی مردم عادی نیستند؛ این‌ها باید انتخاب کنند، ولی امام می‌گفت همه مردم.

پس با این نخبه‌گرایی به این شکل مخالف بودند، نخبه‌گرایی که می‌گویم یعنی نه نخبه ثروت، نه نخبه قدرت و نه نخبه علم. مردم نخبگان علم را بر سر جایی که باید بنشانند تا کارها را برنامه‌ریزی کنند ولی در آن حرکت عمومی انتخاب‌ها، همه مردم باشند.

### ■ قبیلله‌گرایی ممنوع!

یکی دیگر اینکه سراغ گروه‌های سیاسی می‌رفت. جاهایی که همین آدم‌های متنفع حالا در لباس روحانیت یا غیرلباس روحانیت، لیست می‌دهند، حزب و جناح دارند، کانون‌های قدرتی به مرور شکل می‌گیرد، آنجا هم می‌گفت این‌ها در حد معرفی کردن باشند مثلاً یک بینه و شاهد عادل بیان می‌کنند که شما اگر خودتان به تشخیص نرسیدید به این‌ها رجوع کنید، بیشتر از این نه. قبیلله‌گرایی نه. لیست‌بندی به این معنا که الا و لابد به این لیست رأی بدهید، نه!

اینجا نیز جمله عجیبی دارند که سال ۶۲ می‌فرمایند: «فرض کنید همه کسانی که در رأس امور هستند بروند پیشنهاد کنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظرتان درست نباشد، جایز نیست بر شما تبعیت کنید. باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه بتوانید رأی بدهید».

یا همین سخنرانی جای دیگری می‌فرمایند: «بازار باید خودش تشخیص بدهد. کارخانه‌ها باید خودشان تشخیص بدهند، هیچ‌کس تحت تأثیر دیگری نیست. بله اگر چنانچه اشخاص مطمئنی باشند که آن‌ها تشخیص بدهند، شهادت بدهند که فلان آدم جهات مختلفش همه خوب است، آن وقت مانعی ندارد که کسی به واسطه تشخیص آن‌ها و اطمینان به اینکه این صحیح است رأی هم به آن‌ها بدهد. اما این طور نیست که کورکورانه انسان دنبال این باشد که ببیند کجک چه گفته، این صحیح نیست، این در اسلام نیست و در جمهوری اسلامی هم نباید باشد.» پس این قبیلله‌گرایی‌ها که ما نزدیک انتخابات‌ها یک وقت‌هایی می‌بینیم که یک‌سری افراد برایش تئوری نیز درست می‌کنند و می‌گویند که به این لیست رأی بدهید تا آن لیست رأی نیابد، خوب و بدش قاطی، فقط به این لیست رأی بدهید. امام می‌گفت که این در اسلام نیست و در جمهوری اسلامی نیز نباید باشد.

شما چند مورد را می‌شناسید و به مردم معرفی می‌کنید و مردمی که خودشان از آن‌ها شناخت ندارند به شما اعتماد کنند. پس می‌بینید دو جایی که می‌تواند سر راه مشارکت‌ها قرار بگیرد یکی این دو جاست.

آنجایی که از دید مردم پنهان است، آنجا باید چراغ شورای نگهبان آن را بگیرد. من از کجا می‌دانم چه کسی نفوذی است، چه کسی پرونده فلان دارد و مفسد اقتصادی است، آن‌ها با شورای نگهبان است؛ اما آنجایی که در صحن عمومی جامعه است، مرآی مردم است، مردم خودشان بهترین تشخیص‌دهنده هستند.

شورای نگهبان نیز نباید جوری آن را دو مرحله‌ای کند این‌ها نباید اتفاق بیفتد. این‌ها موانع مشارکت است. اگر این‌ها را مراقبت کنیم، می‌بینید مشارکت حداکثری که در نهضت بوده است در تمام فرایند انقلاب نیز هست، قبیلله‌گرایی کردیم، آن وقت مردم می‌گویند که خودشان دارند این کارها را می‌کنند و خدای نکرده قهر می‌کنند.

### ■ ولایت همیشه مطلقه

یک پرسش دیگر نیز در خصوص ولایت فقیه و نسبتش با جمهوریت بود. بحث مهمی که شاید باید ساعت‌ها در مورد آن حرف زد. نخست اینکه امام «ولایت» را همیشه مطلقه می‌داند. من این مطلقه را معنی کنم چون وقتی ولایت را غیرمطلقه در نظر بگیریم همان مدیر و مجری می‌شود یعنی فقط احکام را اجرا کند. ولی وقتی مطلقه می‌گوییم، این اطلاق، رهایی از چیست؟ یعنی می‌تواند موقتاً برخی از احکام شرعی را هم تعطیل کند. یک مثال عرفی بزنم شما اگر رساله‌ها را به جای رساله، دفترچه راهنمایی رانندگی بگذارید، آقای پلیس را نیز ولی فقیه بگذارید، با وجود اینکه در دفترچه گفته شده است که مثلاً اینجا ورود ممنوع است و باید ورود ممنوع باشد، پلیس یک روزی که ازدحام است، یک‌طرفه را دو طرفه می‌کند. همه می‌بینند که خلاف رساله دارد عمل می‌کند ولی هیچ‌کس او را سرزنش نمی‌کند، چراکه همه می‌بینند مصلحتی در میدان است که به طور موقت - این لفظ موقت خیلی مهم است - یکی دو ساعت این یک‌طرفه، دو طرفه بشود. بعضی وقت‌ها احکام شرعی نیز موقتاً به خاطر مصلحتی مهم‌تر تعطیل می‌شوند. به این می‌گویند ولایت مطلقه. پس او فقط مجری نیست بلکه یک جاهایی می‌تواند موقتاً یک سری از احکام را نیز تعطیل کند.

حالا پرسش مهم این است وقتی که می‌خواهد موقتاً به خاطر یک مصلحت مهم‌تری حکمی را تعطیل کند، آن مصلحت مهم‌تر چیست. مصلحت کیست؟ مصلحت رجال خاصی است؟ مصلحت جناح خاصی است؟ امام تأکید داشت که اینجا مصلحت عامه مردم را باید در نظر داشت. این را چطور باید تشخیص داد؟ من این جمله را از نامه‌ای که امام به مجمع تشخیص زده بخوانم. یعنی در روزی

به خاطر همین پایبند  
آن بود و تا آخر پای  
این مسئله ماند که به  
طور جدی باید زمینه  
مشارکت مردم از بین  
نرود. ما معمولاً این را  
یک‌طرفه می‌خوانیم که  
مردم مشارکت کنید،  
در حالی که امام در  
عین اینکه می‌گفت  
مردم مشارکت کنید،  
مشارکتشان می‌داد.  
چیزهایی که دست و  
پای مشارکت مردم  
را می‌بست، قیچی  
می‌کرد.